



## آغازگران پزشکی و درمان

• محمد تقی سرمدی / فاطمه سرمدی

آدمی که خود را اشرف مخلوقات می‌داند، از وقتی که قدرت تفکر و اندیشه یافته، به چگونگی انجام کارها و کردار و رفتار و حفظ تندرستی خویش با دقت و کنجکاوی نگریسته است.

لذا به پیروی از عقل و دانش و به کمک کار و کوشش و به یاری تجارب تلخ و شیرین برای رفع آلام و ناخوشی‌های خود کوشیده است. بی‌تردید اندیشه رفع ناخوشی‌ها و فن پزشکی و درمان به عنوان ابزاری لازم همواره برای حفظ سلامتی انسان، همراه و همگام وی بوده و هر چه تمدن بشری پیشرفت کرده، کامل‌تر شده است. اما باید دانست به جهاتی بحث در مورد کیفیت پیدایش پزشکی تا اندازه‌ای مشکل است: نخست اینکه تاریخ آن بسیار قدیم است و هر امری که قدیمی باشد خاصه از این قبیل امور اظهار نظر قطعی درباره آن بسیار مشکل است؛ دوم آنکه قدما و برجستگان و صاحبان آراء صحیح در این باب متفق‌الکلمه نیستند، تا از آنها پیروی کنیم؛ و بالاخره آنهایی که در این باب وارد شده‌اند جماعت‌های مختلفی بوده و با هم اختلاف زیادی دارند، زیرا هر یک مطابق آنچه که به دست آورده سخن گفته یا چیز نوشته است. بدین جهت اطمینان به یک نظر و رأی و یا اعتماد به گفتار یکی از آن جماعت یا تکیه کردن به آراء دسته‌ای و یقین نبودن به واقعیت آراء آنها بسیار مشکل به نظر می‌رسد.

جالینوس در تفسیر خود از کتاب الایمان بقراط می‌گوید: بحث در اینکه چه شخصی طب را به وجود آورده بحث آسانی نیست و تشخیص آنکه چه کسی در بین قدما طب را ایجاد کرده کار بسیار مشکلی است.<sup>۱</sup>

جرج سارتون در تاریخ علم چگونگی به وجود آمدن طب و طبابت را چنین تشریح می‌کند: «این فن معرفتی است نامعلوم و تصادفی که این اندازه دنباله پیدا کرده و نتایج آنها از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است، ولی قدر مسلم این است که نیاکان پیش از تاریخ همچون مردم ابتدایی که هم امروز می‌توان آنان را مشاهده کرد، گیاهان و چیزهای دیگر را مورد آزمایش قرار می‌داده و بر حسب سود و زیان، آنها را به اقسام گوناگون تقسیم کرده‌اند؛ چوپانان بیابانگرد راه ساده شکسته‌بندی و جا انداختن استخوان را می‌دانسته‌اند. در آن زمان‌های دور بنا به ضرورت، فن قابلیگی در کار بوده و قابلگان هوشمند هنر خود را به دستیاران جوان خویش می‌آموخته‌اند. در همه این حالات بهترین و سخت‌ترین آموزگار یعنی احتیاج، پیوسته همراه آدمی بوده و وی را رهبری کرده است.

اگر بازوی مردی از حمله جانوری یا از فرو ریختن سنگ کوهی آسیب می‌دید، یا ساق پایش می‌شکست، و اگر زنی در ضمن انجام کارهای روزانه خویش دچار اختلالاتی می‌شد، پیوسته برای مقابله با این حوادث به سرعت می‌توانستند کاری انجام دهند و همچنین برای ناراحتی‌های بیماران دیگر راه حل‌های مستقیمی وجود داشت. پس به احتمال قوی فن درمان کردن یکی از حرفه‌های کهن است. پاره‌ای از اوقات چنان اتفاق می‌افتاد که کامیابی‌های مرد درمان‌کننده بیش از ناکامی‌های وی مورد توجه قرار می‌گرفت، به این ترتیب نام‌آور می‌شد و دیگران از روش وی تقلید می‌کردند.

پزشکی بیش از تاریخ جنبه علمی نیم تجربی و نیم جادویی داشته و پزشکان و جادوگران به آن می‌پرداختند. امکان دارد موفقیت فوق‌العاده بعضی از جادوگران وابسته به قدرت روحی آنان، یا از آن جهت بوده که دیگران به چنین نیرویی در آنان اعتقاد داشته‌اند. می‌توان چنین فرض کرد که معالجه با ایمان و عقیده، لاقلاً در یکی از نقاط جهان در سپیده‌دم تمدن آغاز شده است. همه اینها حدس و تخمین است، ولی در یک مورد خاص دلیل مستقیم و روشن در دست است که آن مردم از روی آگاهی با جرأت خاص به کارهای پزشکی اقدام کرده‌اند.<sup>۲</sup>

همین مردمان اولیه در جنب گیاهان طیّی ادویه گوناگون را می‌شناختند و آنها را برای تخفیف و تسکین درد به کار می‌بردند و احتمالاً آنها را که اثر تخدیری داشتند در اعمال جراحی مورد استفاده قرار می‌دادند. داروهای سمی و انواع زهر مانند «گورار» که غالباً نوک پیکان خود را با آن آب می‌دادند و همچنین مخدرهایی نظیر شاه‌دانه و تریاک و کافور را می‌شناختند. به داروهای بیهوشی که هم اکنون نیز مورد استفاده است و از ماده کوکا به دست می‌آید، دسترسی داشتند. جراحان، بسیاری از آلات و ابزار جراحی که اختراع کرده بودند، با آنها اعمال جراحی می‌کردند. زایمان‌ها به طور شایسته انجام می‌گرفت و شکستگی‌ها و زخم‌ها با مهارت معالجه می‌شد. با چاقوهایی که از سنگ چخماق یا سنگ‌های آتشفشانی یا استخوان ماهی می‌ساختند، دمل‌ها را می‌شکافتند و فصد می‌کردند و جراحی‌های کوچک را انجام می‌دادند. جراحی در استخوان‌های جمجمه رایج بود و آثار آن در نزد مردم پرو (Peru) مشاهده می‌شود زیرا دو سوم ۱۵۰۰ جمجمه مربوط به پیش از تاریخ که عمل جراحی روی آنها انجام گرفته مربوط به همین کشور است. بررسی‌ها و تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که پیشینیان ما، برای ایجاد سوراخ در جمجمه از مته و ابزار سنگی و فلزی استفاده می‌کرده‌اند.

آنچه مسلم است شیوه درمانی قدیمیان مانند امروز علمی و پیشرفته نبود چون اطلاعات ناقصی که از امراض و مداوای آنها داشتند سبب بیماری را نیرو یا روحی می‌دانستند که بدن را در اختیار خود گرفته است. بدین جهت نخستین کاری که انجام می‌داده‌اند به بیمار طلسمی می‌آویختند تا طلسم مزبور بتواند روح شریری را که بر بدن دست یافته خرسند ساخته و او را بیرون کند.

در بعضی از عقاید دینی معاصر راه‌های خاصی نشان داده شده که به وسیله آنها روح شریر از جسم بیمار بیرون رانده شود و بسیاری از مردم چنین عقیده دارند که اگر حب‌ها و گرد‌های طیّی با دعا و نماز ضمیمه شود اثر بیشتر می‌شود. شاید مردم اولیه، در معالجه، از همان راهی که پزشکی جدید می‌رود و از راه تلقین بیماران را شفا می‌بخشد، می‌رفتند. آنها برای آنکه روح شریر را از بدن بیمار بیرون رانند، ماسک‌هایی ترسناک به صورت خود می‌گذاشتند و پوست حیوانات درنده بر تن می‌کردند و زوزه‌های حیوانی می‌کشیدند و دست می‌زدند و صفحات فلزی را می‌کوبیدند و با لوله‌ای که به دهان خود می‌گذاشتند، چنان وانمود می‌کردند که شیطان را از

۱. ترجمه عیون الانبا فی طبقات الاطباء، ابن

ابی‌اصیبغه، سیدجعفر غضبان و دکتر محمود

نجم‌آبادی، تهران، ۱۳۴۹، صفحه ۵

۲. تاریخ علم، جرج سارتون، ترجمه احمد آرام،

انتشارات موسسه مطبوعاتی امیر کبیر، صفحه ۸.



بدن بیمار بیرون مکیده و خارج می‌کنند. یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «طبيب بیماری را علاج می‌کند و دارو بیمار را مشغول می‌سازد.» قبایل «بورورو» در برزیل، هنگامی که کودکی بیمار می‌شد، داور را به پدرش می‌خوراندند و تقریباً همیشه پس از این عمل حال کودک رو به بهبود می‌رفت!

در افسانه‌های کهن ایرانی پزشکی و درمان را به جمشید یکی از پادشاهان سلسله داستانی ایران نسبت داده‌اند. می‌گویند در عهد جمشید در کشور هرج و مرج حکمفرما بود، جمشید کوشش خود را صرف انتظام دادن امور مملکتی نمود؛ مردم از غارنشینی به زندگی در خانه‌ها روی آوردند و برای یافتن گنج‌ها زیر زمین تا اعماق آن را کاویدند و آنچه می‌خواستند به دست آوردند و بدین وسیله پزشکی و درمان آغاز گردید.

در ادیان الهی نیز پیامبران کم و بیش آغازگران پزشکی و درمان بوده و طب و طبابت و بهداشت را در جامه واجبات و مستحبات دینی ارائه داده‌اند. مثلاً حضرت محمد(ص) پیامبر گرامی اسلام احترام و ارجحیت خاصی برای پزشکی قایل بودند تا جایی که آن را در سطح دین محسوب داشته‌اند.

پیرامون اقوام و سرزمین‌های آغازگر این علم شریف آرا و عقاید مختلفی وجود دارد. برخی بین‌النهرین، مصر، هند، چین و یونان را پیشروترین تمدن‌ها در گستره پزشکی و درمان می‌دانند. عده‌ای نیز قاره آمریکا بخصوص کشور باستانی پرو را محل نشو و نمای طب می‌شناسند. در این باره ابن ابی اصیبعه طبیب و تاریخ‌نگار معروف نظریه جالبی داده و می‌گوید حق این است که اختراع طب را نمی‌شود به شهر یا کشور یا طایفه معینی نسبت داد زیرا آنچه را که به مردمی نسبت می‌دهیم، قبل از آنها در مردم دیگری وجود داشته و بعد منقرض شده است و باز در مردم دیگری پیدا شده، از آنها نیز رخت بر بسته به دست طایفه دیگری افتاده که ما ایشان را مکتشف (و آغازگر) آن تصور می‌کنیم. بدین ترتیب، مناسب است که قدیمترین تمدن‌های بشری را از این نظر مرور کنیم.

## سومر

سومری‌ها که از پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح در قسمت سفلی بین‌النهرین، مجاور خلیج فارس سکونت داشتند، نخستین قومی بودند که خط را اختراع نمودند. مدارکی که از بین‌النهرین به دست آمده حاکی است که سومری‌ها علاوه بر «خدای فراوانی محصول» خدایان متعدد دیگر نیز داشتند، به این معنی که قوای مختلف طبیعت را به صورت انسان و بیشتر اوقات به صورت حیوان تجسم کرده و آن را می‌پرستیدند. آسمان را به اسم «آنو»، زمین را به نام «نلیل» و آب را به اسم «آ» مانند سایر خدایان می‌پرستیدند.

در زمینه درمان‌ها سومریان علاوه بر توسل به سحر و جادو، گاهی مانند عصر حاضر نسخه‌های طبی نیز می‌نوشتند و به کمک داروهای گیاهی و معدنی و حیوانی بیماران را درمان می‌کردند. برخی اطلاعات پزشکی آنها هم مثل امروز بود؛ به عنوان مثال برای نشان دادن تب و التهاب از تصویر یک منقل شعله‌ور استفاده می‌کردند. همچنین الواح سومری نشان می‌دهند دکتر «لولو» طبیب شهر «اور» بدون کمک گرفتن از سحر و جادو به درمان بیماران می‌پرداخته است.

یکی از پزشکان سومری که در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد می‌زیست ۱۲ نسخه پزشکی را که به نظرش مهم بودند انتخاب و آنها را روی لوحی به ابعاد ۹/۵ × ۱۵/۹ سانتیمتر ثبت کرد. نسخه‌های مزبور که قدیمی‌ترین مدارک طبی جهان به شمار می‌آیند، در سال ۱۹۵۳ میلادی توسط «مارتن لوی» و «سامرست موم» خوانده شد. این نسخه‌ها نشان می‌دهند که پزشکان سومری داروها را مانند امروز به سه دسته گیاهی، جانوری و معدنی تقسیم کرده و در درمان‌ها مورد استفاده قرار می‌دادند. داروهای گیاهی آنها عبارت بودند از فلوس، انغوزه، مورد، آویشن، بید گلایی، خرما و صنوبر.

از تخم، ریشه، شاخه، صمغ، میوه، بوته‌ها و درختان داروهای گیاهی را تهیه می‌کردند. انواع گرد، مرهم، قطره و مایع را برای درمان بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌دادند. برای تهیه مرهم، مخلوطی از گیاهان مورد لزوم را در شرابی به نام «کوشوما»

پیرامون اقوام و سرزمین‌های آغازگر این علم شریف آرا و عقاید مختلفی وجود دارد. برخی بین‌النهرین، مصر، هند، چین و یونان را پیشروترین تمدن‌ها در گستره پزشکی و درمان می‌دانند.



حل کرده و سپس به ماده حاصله مقداری روغن درخت سرو یا درختان دیگر را می‌افزودند. آنها گاهی گل رس ساییده را به برخی از ترکیبات اضافه می‌کردند و به آن آب و عسل می‌امیختند و به مخلوط حاصله کف آب دریا می‌افزودند.

برای تهیه قطره طبی بیشتر مواد معدنی کلرور سدیم و نیترات پتاسیم (شوره) به کار می‌بردند. از مواد حیوانی غالباً شیر، پوست مار، سنگ لاک‌پشت و امثال آنها مورد توجه بود. در مجموع در نسخه‌های سومری استفاده از داروهای معدنی و حیوانی کمتر از داروهای گیاهی است.

اطلاعات سه نسخه از آنها نشان می‌دهند که جوشانده طبی را از پوست گیاهان به دست می‌آورند. آنان پوست گیاهان را ابتدا در آب حرارت داده، آنگاه به آن املاح و قلیا می‌افزودند تا عصاره‌گیری بهتر انجام شود. شوره را احتمالاً از سطح داخلی لوله‌ها که فضولات آلی ازت‌دار در آن جریان داشته، تهیه می‌کردند. نکته جالب‌تر اینکه پزشک نویسنده نسخه به طور کلی در درمان به سحر و جادو متوسل نشده است.

## بابل

بابل نام سرزمینی در جنوب بین‌النهرین بود. خرابه‌های بابل در ساحل فرات، در ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بغداد واقع شده است. در سال ۲۱۰۵ قبل از میلاد «آمورن سومرابوم» سلسله‌ای در آن جا تأسیس کرد که ششمین پادشاهش به نام «حمورابی» وحدت سومر و اکد را در دولتی متمرکز، تحقق بخشید. کورش بزرگ پادشاه هخامنشی (جلوس ۵۵۹- مقتول ۵۲۹ ق.م) بابل را تصرف کرد و خشایارشا (جلوس ۴۸۶- مقتول ۴۶۵ ق.م) آن را خراب کرد. اسکندر مقدونی بابل را به عنوان پایتخت آسیایی خود انتخاب نمود. اما انحطاط و نابودی بابل از زمانی که سلوکیان آن را ترک گفتند، آغاز گردید و سرانجام در اواخر قرن هفتم قبل از میلاد زیر نفوذ آشور قرار گرفت.

تمدن بابل یکی از تمدن‌های بسیار قدیمی و معروف جهان است. یکی از پادشاهان بزرگ این سرزمین حمورابی بود که در زمان سلطنت (۱۹۵۵ - قوت ۱۹۱۳ ق.م) خویش کارهای مهمی انجام داد که یکی از آنها جمع‌آوری و تنظیم قوانین بابل است که به نام «قوانین حمورابی» معروف شده است. قوانین مزبور پس از قوانین سومری باستانی‌ترین قانونی است که بشر تنظیم نموده است. ستونی که قوانین حمورابی روی آن کنده شده اکنون در موزه لوور پاریس است.

قوانین و مقررات پزشکی بابل بر اساس صفحات ۶۸ و ۶۹ کتاب «قانون‌نامه حمورابی» چاپ «سازمان میراث فرهنگی کشور» به شرح زیر است:

۲۱۵. اگر یک جراح، عمل جراحی مهمی را به وسیله یک نیشتر مفرغی بر روی شخص انجام داد و جان آن شخص را نجات داد یا او گودی چشم شخصی را با یک نیشتر مفرغی باز کرد و چشم آن شخص را نجات داد او باید ده شِکِل (سیکل) نقره دریافت کند.

۲۱۶. اگر او [بیمار] فردی از طبقه عوام بود، جراح باید پنج شکل نقره دریافت کند.

۲۱۷. اگر او [بیمار] برده شخصی بود، صاحب برده باید دو شکل نقره به جراح بپردازد.

۲۱۸. اگر یک جراح، عمل جراحی مهمی را به وسیله یک نیشتر مفرغی به روی شخصی انجام داد و باعث مرگ آن شخص شد، یا گودی چشم آن شخص را باز کرد و چشم آن شخص را نابود کرد، باید دست او را قطع کنند.

۲۱۹. اگر یک جراح، عمل جراحی مهمی را به وسیله یک نیشتر مفرغی بر روی برده یک فرد عامی انجام داد و باعث مرگ او شد، او باید به جای آن برده‌ای بدهد.

۲۲۰. اگر او [جراح] به وسیله یک نیشتر گودی چشم برده‌ای را باز کرد و چشم او را نابود کرد، او باید نیمی از ارزش برده را به صورت نقره بپردازد.

۲۲۱. اگر یک جراح استخوان شکسته شخصی را جا انداخت یا وترِ رگ به رگ شده او را درمان کرد، بیمار باید پنج شِکِل نقره به جراح بپردازد.

۲۲۲. اگر او [بیمار] عضوی از طبقه عوام بود، او باید سه شکل نقره بپردازد.

۲۲۳. اگر او [بیمار] برده شخصی بود، صاحب برده باید دو شکل نقره به جراح بپردازد.

نسخه‌ها نشان می‌دهند که پزشکان سومری داروها را مانند امروز به سه دسته گیاهی، جانوری و معدنی تقسیم کرده و در درمان‌ها مورد استفاده قرار می‌دادند.

